مطالعات تاریخ اسلام
سال شانزدهم، شمارهٔ ۶۱، تابستان ۱۴۰۳، مقالهٔ علمی- پژوهشی، صفحات ۳۹-۶۲

تأثیر مجادلات نظامی بر پیدایش تشابه در تشکیلات نظامی عثمانی و صفوی

طاهر بابائی[۱]
ندا پورمحمود[۲]

چکیده: در ساختار نظامی عثمانی و صفوی تشابهات بسیاری وجود داشته که گرته‌برداری و اقتباس، در کنار عوامل مختلف، جایگاه ویژه‌ای در پیدایی این مشابهت‌ها داشته است. اقتباس از طریق داده‌هایی که به اَشکال مختلف به سرزمین‌های مجاور منتقل می‌شد، انجام می‌گرفت. هر یک از این اَشکال اقتباس و انتقال اطلاعات، سهمی در ایجاد همسانی‌ها داشته‌اند که در این میان، گمانهٔ بهره‌گیری از نتایج مجادلات نظامی در پیدایی تشابه در تشکیلات نظامی، جایگاه مهمی می‌تواند داشته باشد. در این پژوهش تلاش شده است تا چگونگی تأثیرگذاری نتایج و برآیندهای مجادلات نظامی در پیدایش تشابه در ساختار نظامی عثمانی و صفوی به عنوان مسئله تحقیق مورد بررسی قرار گیرد. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد که اسارت فرماندهان و متخصصان نظامی عثمانی و نیز غنیمت‌گیری ادوات آتشین عثمانی، سبب ورود داده‌ها و ایجاد تشابه در ساختار نظامی صفوی شده و این گمانه را تقویت کرده است که نتایج مجادلات نظامی از عوامل تأثیرگذار بر پیدایش این تشابه بوده است.

واژه‌های کلیدی: تشکیلات نظامی، عثمانیان، صفویان، تاریخ جنگ، مشترکات فرهنگی

شناسه دیجیتال (DOI): 00.00000/pte.00.00.0

۱ استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسندهٔ مسئول).
taherbabaei@um.ac.ir https://orcid.org/0000-0003-2368-759X
۲ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
neda.purmahmud@gmail.com https://orcid.org/0009-0007-9069-5078

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۲ تاریخ تایید: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰

A Quarterly Journal of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 16, No 61, Summer 2024
Research Center for Islamic History, http://journal.pte.ac.ir/
Scientific-Research, pp. 39-62

The Impact of Military Conflicts on the Appearance of Similarities in The Ottoman And Safavid Military Arrangements

Taher Babaei[1]
Neda Pourmahmoud[2]

Abstract: There were many similarities among the Ottoman and Safavid military structure, and adaptation from can be one of the reasons for such similarities. This process was done by transmitting data to the neighboring land in various forms. Each of these forms of adaptation and transmission of information have contributed to the creation of similarities, among which it can be assumes that the impact of the results of military conflicts in creating similarities in military arrangements had an important role. As the research problem, the impacts of the results and outcomes of military disputes on the emergence of similarities in the Ottoman and Safavid military structure has been investigated in this research. The findings indicate that the captivity of Ottoman commanders and military specialists and acquisition of Ottoman firearms have provided the required data and caused similarities in the Safavid military structures. Thus, the results of military disputes can be likely considered as one of the affecting factors for emergence of such similarities.

Keywords: Military arrangements, Ottoman, Safavids, war history, cultural commonalities.

DOI: 00.00000/pte.00.00.0
1 Assistant Professor, Department of History and Civilization of Muslim Nations, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (corresponding author). taherbabaei@um.ac.ir https://orcid.org/0000-0003-2368-759X
2 PhD Candidate of History and Civilization of Muslim Nations, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. neda.purmahmud@gmail.com https://orcid.org/0009-0007-9069-5078
Receive Date: 2024/06/11 Accept Date: 2024/07/31

مقدمه

ساختار اداری و حکومتی عثمانی و صفوی از جهات متعدد دارای همسانی بوده است که در این میان، تقسیم‌بندی کلی سه بخش نیروهای مرکز دولت، نیروهای خارج از مرکز و نیروی دریایی برای نظامیان هر دو حکومت را می‌توان عنوان کرد.[۱] تقسیم‌بندی اخیر، در ساختار کلی ارتش دو حکومت، تقریباً تشابه کاملی را داراست و نیز اسامی مناصب و اصطلاحات، گاه از لحاظ نام، گاه از حیث کارکرد و وظایف و گاه از حیث نام – کارکرد، تشابه فراوانی دارند (نظیر بیگلربیگی، تفنگچی، توپچی، سپهسالار، عرابه‌چی صفوی/ آرابه‌جی عثمانی، جبه‌جی عثمانی/ جبه‌دار صفوی، چرخچی صفوی/ چرخه‌جی عثمانی، زنبورکچی صفوی/ زنبرکچی عثمانی، سلاحدار باشی صفوی/ سلحدار عثمانی، قُل صفوی/ قول عثمانی، قورچی صفوی/ قوریجی عثمانی و بسیاری دیگر). علاوه بر شکل اسامی اصطلاحات و مناصب، پسوندهای مشابهی در اسامی مرکّب نظیر آغا/ آقا، دار، باش، خانه، انداز و مواردی از این دست وجود دارد که در تشکیلات نظامی هر دو حکومت به یک معنی و کاربرد مورد استفاده بوده است (بابائی، ۱۳۹۰: ۱۱۵–۱۲۶).

در پیدایی این تشابه، می‌توان عوامل متعددی را تأثیرگذار دانست. وجود خاستگاه مشترک تاریخی، فرهنگی، قومی و زبانی به همراه عواملی چون کمک دوسویهٔ اروپاییان به عثمانیان و صفویان (تکتاندر، ۱۳۵۱: ۳۳۶–۳۳۸؛ فیگوئروآ، ۱۳۶۳: ۲۹۵؛ ثابتیان، ۱۳۴۳: ۳۳۶–۳۳۸؛ فلور، ۱۳۸۷: ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۳۷–۲۳۸، ۲۵۴–۲۵۶)، نفوذ سیاسی– مذهبی صفویان بر ترکمانان آناتولی و یاری از سوی آنان (سیوری، ۱۳۸۰: ۶۲–۶۳)، مهاجرت ترکان آناتولی به ایران و استخدام در قشون صفویه (سومر، ۱۳۷۱: ۱۸۷) و اقتباس از بخش‌های نظامی عثمانیان، از راه‌های احتمالی گرته‌برداری صفویان از عثمانیان بوده است. اقتباس صفویان از تشکیلات نظامی عثمانیان را بیش از هر چیز در بخش نظام غلامداری می‌توان مشاهده کرد که این اقتباس به شکل نامنظم و در چارچوبی خُرد و کوچک‌تر انجام شده بود.[۲] به‌جز این، یکی از مهم‌ترین بخش‌های حکومت

---

۱ با تسامح می‌توان صفویان را دارای نیروی دریایی نظامی قلمداد کرد.

۲ ن.ک. به: سید جمال موسوی و طاهر بابائی (پاییز و زمستان ۱۳۹۱ش)، «مطالعه تطبیقی غلامداری در تشکیلات نظامی عثمانی و صفوی»، *نیم‌سال‌نامه مطالعات تاریخ و تمدن ملل اسلامی*، ش۲؛ طاهر بابائی و منیژه صدری (۲۰۲۱م)، «نظام پرورش غلام صفویان و نسبت آن با سازمان مشابه حکومت‌های ممالیک و عثمانی»، *مجموعه مقالات چهارمین و پنجمین کنفرانس بین‌المللی علمی روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران و گرجستان*، تفلیس: دانشگاه قفقاز.

صفویان، بخش‌های مرتبط با حوزه سلاح‌های گرم بود که می‌توان اقتباس از عثمانیان را در وجود تشابه دخیل دانست. در این بخش، تشابه بیش از هر چیز در اسامی و اصطلاحات به چشم می‌خورد. وجود اسامی مشابهی نظیر بادلیج، بال‌یمز، خمپاره، زنبورک، ضربزن، تفنگ فتیله‌ای، تپانچه، تفنگ جزایری و تفنگ چخماقی، نمایشگر همانندی این تشکیلات در دو حکومت است که به شکل مشابهی در تاکتیک‌های نظامی، چینش‌ها، تَدارکات و امور مالی و قضائی مرتبط با نظامیان نیز مشاهده می‌شود.[۱] پیداست که وجود ادواتی با شکل و اسامی مشابه، به‌خصوص در حوزه مربوط به سلاح‌های گرم، پیش از ورود و سازماندهی نظامیان صفوی به دست برادران شرلی و مستشاران نظامی اروپایی، متأثر از عوامل دیگری بوده است که در رأس آن می‌توان به اقتباس از عثمانیان اشاره کرد. در این راه، به سبب تقدم و سابقهٔ بیشتر عثمانیان در استفاده از سلاح‌های آتشین، جریان اقتباس در این حوزه از تشکیلات عثمانی به صفوی بوده است. اقتباس از ساختار نظامی عثمانیان می‌تواند از طرق مختلفی نظیر جاسوسی و خبررسانی و مشاهدات ایلچیان و سیاحان باشد، اما این اقتباس بیش از هر چیز می‌توانست از طریق برخورد مستقیم با نیروهای عثمانی در مجادلات و نبردها اتفاق افتاده باشد.

مدعای پژوهش حاضر این است که در کنار عوامل متعدد دیگر، یکی از عوامل وجود تشابه در تشکیلات نظامی عثمانی و صفوی، نتایج حاصل از منازعات نظامی بوده است. بر این اساس، نگارندگان پژوهش حاضر درصدد بوده‌اند با رویکرد توصیفی- تحلیلی و با تکیه بر شیوه مطالعهٔ کتابخانه‌ای، به بررسی اَشکال و چگونگی تأثیرگذاری نتایج منازعات نظامی که به پیدایش تشابه در ساختار نظامی (با تأکید بر بخش‌های مربوط به سلاح‌های آتشین) منجر شده است، بپردازند که در آن به استخراج داده‌های مربوط به دستاوردهای تأثیرگذار بر تشکیلات نظامی، نظیر بهره‌گیری از نیروهای توانمند نظامی عثمانی و به کارگیری غنایم حاصل از این نبردها در ساختار نظامی، پرداخته شده است. برای بررسی علمی این مسئله، دورهٔ زمانی از برآمدن صفویان تا دوره شاه‌عباس اول صفوی (حک: ۹۹۵–۱۰۳۸ق/ ۱۵۸۷–۱۶۲۹م) که مقارن با تحول تشکیلات نظامی صفوی با تأثیرپذیری از اصلاحات برادران شرلی بوده، گزینش شده است.

---

۱ برای اطلاع از داده‌های تفصیلی دربارهٔ تشابه تشکیلات نظامی عثمانی و صفوی، ن.ک. به: طاهر بابائی (۱۳۹۰ش)، «تشابه تشکیلات نظامی عثمانی و صفوی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

پیشینهٔ پژوهش

پژوهش مشابهی با موضوع نوشتار حاضر تاکنون پدید نیامده است، اما از جمله آثاری که به نوعی مرتبط با موضوع این نوشتار به رشتهٔ تحریر درآمده‌اند، می‌توان به کتاب *دیوان و قشون در عصر صفوی* از ویلم فلور[۱] اشاره کرد که در فصل سوم آن با عنوان «قشون صفویه»، اشاراتی به برتری نیروی نظامی عثمانی نسبت به صفویان و پناه آوردن نظامیان عثمانی به دولت صفوی شده است. اثر دیگر، *تاریخ ایران دوره صفویان* کمبریج[۲] است که در آن اطلاعاتی کلی دربارهٔ ساختار تشکیلات نظامی صفویان ارائه شده است. همچنین در مقالات «مطالعه تطبیقی غلام‌داری در تشکیلات نظامی عثمانی و صفوی»[۳] و «نظام پرورش غلام صفویان و نسبت آن با سازمان مشابه حکومت‌های ممالیک و عثمانی»[۴] به بحث الگوبرداری صفویان از عثمانیان در مواردی چون نحوه غلام‌گیری، آموزش نظامی به آنان و وظایف نظامی غلامان در تشکیلات نظامی پرداخته شده، اما به دیگر موارد اقتباس صفویان از تشکیلات نظامی عثمانیان اشاره‌ای نشده است. طاهر بابائی نیز در پایان‌نامهٔ خود با عنوان «تشابه تشکیلات نظامی عثمانی و صفوی»[۵] به شکل توصیفی به اَشکال تشابه ساختار نظامی عثمانی پرداخته و این تشابه را در زمینهٔ گروه‌های جنگاور، اسامی و اصطلاحات و سلاح‌ها و حوزه‌های مرتبط با ساختار نظامی، نظیر تشکیلات مالی و قضائی مورد بررسی قرار داده، اما علل تشابه در این پژوهش، مدّ نظر قرار نگرفته است.

۱. گروه‌های نظامی صفویِ متأثر از عثمانیان

بیشترین تأثیرپذیری از عثمانیان را می‌توان در میان گروه‌های مسلّح به سلاح آتشین صفوی ملاحظه کرد. نظامیان دارندهٔ سلاح گرم صفویان که از عثمانیان تأثیر پذیرفته بودند، متعدد بودند. بهره‌گیری از سلاح گرم در میان نیروهای نظامی صفویه، محدود به یک گروه نبود، بلکه گروه‌های متعددی

---

۱ ویلم فلور (۱۳۸۷ش)، *دیوان و قشون در عصر صفوی*، ترجمهٔ کاظم فیروزمند، تهران: آگه.

۲ کمبریج (۱۳۸۰ش)، *تاریخ ایران؛ دوره صفویان*، ترجمهٔ یعقوب آژند، تهران: جامی.

۳ سید جمال موسوی و طاهر بابائی (پاییز و زمستان ۱۳۹۱ش)، «مطالعه تطبیقی غلامداری در تشکیلات نظامی عثمانی و صفوی»، *نیم‌سال‌نامه مطالعات تاریخ و تمدن ملل اسلامی*، ش۲.

۴ طاهر بابائی و منیژه صدری (۲۰۲۱م)، «نظام پرورش غلام صفویان و نسبت آن با سازمان مشابه حکومت‌های ممالیک و عثمانی»، *مجموعه مقالات چهارمین و پنجمین کنفرانس بین‌المللی علمی روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران و گرجستان*، تفلیس: دانشگاه قفقاز.

۵ طاهر بابائی (۱۳۹۰ش)، «تشابه تشکیلات نظامی عثمانی و صفوی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران.

به شکل منظم یا نامنظم مسلح به سلاح گرم بودند. با وجود این، سه گروه اصلی مسلح به سلاح گرم صفویان را می‌توان رستهٔ تفنگچیان، توپچیان و غلامان عنوان کرد که به همهٔ سلاح‌های قورچیان (سواره‌نظام قبیله‌ای متقدم صفوی) مجهز بودند (مینورسکی، ۱۳۸۷: ۵۴–۵۵).

۱-۱. گروه تفنگچیان صفویه

شالودهٔ بنای دستهٔ تفنگچی در زمان اسماعیل اول (حک: ۹۰۷–۹۳۰ق) ریخته شد (بیات، ۱۳۳۸: ۱۴۶؛ فلور، ۱۳۸۷: ۲۳۴). اگرچه در دورهٔ شاه‌اسماعیل اول و شاه‌طهماسب اول (حک: ۹۳۰–۹۸۴ق) موارد متعددی از به کارگیری تفنگ و تفنگچی (*عالم‌آرای صفوی*، ۱۳۵۰: ۶۸، ۹۶، ۱۰۲، ۱۷۳؛ روملو، ۱۳۴۸: ۱۳۰۸/۳؛ *عالم‌آرای شاه‌طهماسب*، ۱۳۷۰: ۲۰۵، ۲۷۳، ۳۲۹، ۳۷۵) و همچنین کارآزموده بودن آنان به چشم می‌خورد (فلور، ۱۳۸۷: ۲۳۶)، اما در دوران پیش از شاه‌عباس اول (حک: ۹۹۵–۱۰۳۸ق) دستهٔ تفنگچی و استفاده از سلاح گرم، کمتر مورد توجه قرار گرفته بود. شاید دلیلش این سخن دلاواله (متوفای ۱۰۶۲ق) باشد که: «اینان [قزلباش‌ها] استفاده از تفنگ را خلاف مردانگی و شجاعت می‌دانند» (دلاواله، ۱۳۸۴: ۲۷۸). فرمانده تفنگچی‌های صفوی «تفنگچی‌آقاسی»، «تفنگچی‌باشی»، «تفنگچی‌لر آقاسی» و یا «تفنگداریاشی» نام داشت (کمپفر، ۱۳۵۰: ۶۴؛ شاردن، ۱۳۷۴: ۱۶۶۹/۵؛ فلور، ۱۳۸۷: ۲۴۲) که از ارکان چهارگانهٔ[1] دولت صفوی به شمار می‌آمد. وی ضمن دارا بودن لقب عالیجاه، از امرای جانقی (مجمع مشورتی) محسوب می‌شد (نصیری، ۱۳۷۱: ۱۹–۲۰؛ میرزا سمیعا، ۱۳۸۷: ۹).

شکل چینش و سلاح‌های مورد استفادهٔ تفنگچیان صفوی که شباهت بسیاری به نیروهای تفنگچی عثمانی نظیر ینی‌چریان داشته، سبب شده است تا برخی از پژوهشگران ایجاد این ساختار نظامی جدید را به الگوبرداری از قشون ینی‌چریان نسبت دهند (سومر، ۱۳۷۱: ۱۸۱؛ هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۶: ۶۴). شباهت اینان در اسامی همسان قابل مشاهده است؛ چندان‌که علاوه بر همسانی لفظ تفنگچی (در میان عثمانیان: تفنگجی، توفنکچی، تفکچی، تفنگ‌انداز و توفنک‌انداز) (خواجه سعدالدین افندی، ۱۲۸۰: ۳۶/۲؛ درنوی، ۱۲۷۶: ۱۵۰، ۱۵۲؛ خلیفه، ۱۳۴۰: ۹۱؛ لطفی‌پاشا، ۱۳۴۱: ۳۲۵، ۳۴۶؛ نعیما، ۱۲۸۱: ۲۴۰/۱؛ سلانیکی، ۱۲۸۱: ۳۶، ۳۷، ۴۰؛ نشانچی، ۱۲۷۹: ۲۵۱؛ پچوی، ۱۲۸۳: ۷۸/۱، ۸۵، ۱۴۶)، فرمانده تفنگچیان صفوی که تفنگچی‌باشی خوانده می‌شد نیز

---

۱ ارکان اربعهٔ دولت صفوی عبارت بود از: قورچی‌باشی، قوللر آقاسی، تفنگچی آقاسی و ایشیک آقاسی باشی.

به شکل «تفنگچی‌باشی»، «توفنکجی‌باشی»، «سر تفنگچی» و «سر تفنگ‌گیران» ضبط شده است (پچوی، ۱۲۸۳: ۷۷/۱؛ شوکت، ۱۳۲۵: ۳۵/۱؛ Uzunçarşılı,1988: 1/230). اسامی مختلفی نظیر تفنگ و انواع آن نظیر فتیله‌ای (فتیللی) و چخماقی را نیز می‌توان برشمرد.

در میان دولت‌های مسلمان، عثمانیان اولین دولتی بودند که از تفنگ فتیله‌ای استفاده کردند (Pakalın, 1971: 1/80). دیگر تفنگ مورد استفادهٔ سربازان عثمانی و صفوی «تفنگ چخماقی» بود که در منابع عثمانی به صورت «چقماقلی تفنک» ضبط شده است (جوادپاشا، ۱۲۹۹: ۴۶/۱، ۱۳۹). تفنگ جزایری یا جزایر نیز نوعی از تفنگ‌های بزرگ و غیرمعمول مورد استفادهٔ صفویان بود (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۱۹۶/۳؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۴۲۶) که در میان عثمانیان نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت (نعیما، ۱۲۸۱: ۹۳/۱). تپانچه/طبانجه یا تفنگ کمری یکی دیگر از سلاح‌های مورد استفاده در میان عثمانیان و صفویان بوده است (پچوی، ۱۲۸۳: ۱۳۷/۲؛ نعیما، ۱۲۸۱: ۲۳۹/۱؛ شوکت، ۱۳۲۵: ۳۴/۱–۳۵؛ *عالم‌آرای شاه‌اسماعیل*، ۱۳۸۴: ۵۱۳). استفاده از تپانچه در میان صفویان برای اولین بار به سال ۹۲۹ق. برمی‌گردد (فلور، ۱۳۸۷: ۲۳۶).

۱–۲. رستهٔ توپچیان

دیگر رستهٔ دارندگان سلاح گرم در میان صفویان، رستهٔ توپچیان بود که در اسامی مقامات و ادوات، با عثمانیان شباهت بسیاری داشته است. از آغاز تشکیل دولت صفویه، توپ جنگی یک آلت رایج، اما کم‌اهمیت در ارتش صفوی بود (فلور، همان، ۲۴۶). ایرانی‌ها در توپ‌ریزی، استفاده از آن و تولید مهماتش نیز مشکل داشتند (همان، ۲۴۵). شاه‌اسماعیل اول توپخانهٔ خود را ابتدا با به چنگ درآوردن توپخانهٔ سلطان مراد آق‌قویونلو (حک: ۹۰۵–۹۱۳ق) تقویت کرد (همان، ۲۴۷)، اما در دورهٔ وی توپچیان به‌رغم حضور در محاصره قلاع (وسطان و وان)، چندان کارآزموده نبودند (*سفرنامه‌های ونیزیان در ایران*، ۱۳۸۱: ۴۰۳). توپچی‌باشی فرمانده این سازمان، ریاست و نظارت بر همهٔ توپچیان و مسئولان مربوط به توپخانه را برعهده داشت (میرزا رفیعا ، ۱۳۸۵: ۲۰۱، ۲۰۲؛ میرزا سمیعا، ۱۳۸۷: ۱۳، ۱۴). اسامی مشابه ادوات و فرماندهان، نظیر توپچی، توپچی‌باشی، توپخانه و جُبّه‌خانه در میان صفویان (بابائی، ۱۳۹۰: ۶۲–۶۵) را می‌توان با طوپچی، طوپچی‌باشی/طوپچی‌آغاسی، طوبخانه/طوپخانه عامره و جبه‌خانه[1] عثمانیان در منابع مختلف

1 Cebehane

مشاهده و ردگیری کرد (اولیاء چلبی، ۱۳۱۴: ۲۲۶/۶؛ نعیما، ۱۲۸۱: ۱۳۱/۴؛ شوکت، ۱۳۲۵: ۵/۱، ۱۰؛ Pakalın,1971: 3/513).

با وجود اینکه در متون مختلف به تأثیرگذاری اروپاییان بر ساختار توپ‌ریزی و توپ‌اندازی صفویان اشاره شده است (فلور، ۱۳۸۷: ۲۵۴)، اما تأثیرپذیری از عثمانیان به سبب مجاورت و نزدیکی و نیز برخوردهای نظامی مختلف، محتمل به نظر می‌رسد. همچنین در آموزش توپچیان صفوی به حضور مربیانی از عثمانی (ینی‌چریان فراری) اشاره شده است (فلور، همان، ۲۵۴–۲۵۵). در همین عصر و در شمال ایران، خاندان کیایی نیز در امر توپ‌ریزی و توپ‌سازی، از آموزش یکی از توپچیان عثمانی بهره‌مند بودند و حتی این توپچی به کار توپ‌اندازی و حصارشکنی نیز پرداخته بود که گرچه در کار خود خبره نبود، اما در تسلیح ایرانیان مناطق شمالی ایران به توپ جنگی، مؤثر بوده است (لاهیجی، ۱۳۵۲: ۸۸).

توپ‌های همسان عثمانیان و صفویان با اسامی اندکی متفاوت در منابع ضبط شده است. یکی از اینها «بادلیج» بود که از توپ‌های سنگین مورد استفاده صفویان و عثمانیان به شمار می‌آمد (فلور، ۱۳۸۷: ۳۰۲) و علاوه بر شکل مذکور، در منابع فارسی به صورت «بادلش»، «باده لیج»، «بادلیجه» نیز ذکر شده است (*عالم‌آرای شاه‌اسماعیل*، ۱۳۸۴: ۵۳۶، ۵۴۳؛ عبدی‌بیگ شیرازی، ۱۳۶۹: ۵۴؛ نفیسی، [بی‌تا]: ۵۰۳/۱؛ رامپوری، ۱۳۷۵: ۱۱۰). بادلیج مورد استفادهٔ عثمانیان نیز بوده و علاوه بر نام مذکور، به آن «بادلوشجه»، «بادلوشقه»، «باجالاشقه»، «باجالوشقه»، «بجلوشقه» و «بجالوشقه» نیز گفته می‌شد (درنوی، ۱۲۷۶: ۱۷۴، ۱۸۴؛ فریدون‌بک، ۱۲۷۴: ۳۶۲/۱–۳۶۳؛ Uzunçarşılı, 1988: 2/49). بال‌یمز یکی دیگر از توپ‌های سنگین و دوربُرد مورد استفاده در جنگ بود (فلور، ۱۳۸۷: ۳۰۲؛ Pakalın,1971: 1/157) که در منابع دورهٔ صفوی به صورت «بالیمز» و «بالمیز» ذکر شده است (شاملو، ۱۳۷۱: ۲۵۸/۱؛ منجم، ۱۳۶۶: ۲۵۵؛ اسکندربیگ ترکمان، ۱۳۱۴: ۶۴۵/۲، ۷۹۷، ۷۹۹). در منابع عثمانی نیز به صورت بالیمز/ بال‌یمز و بال‌ییمز آورده شده است (نعیما، ۱۲۸۱: ۹۸/۱؛ پچوی، ۱۲۸۳: ۲۰۲/۱، ۲۳۶، ۲۶۴؛ خلیفه، ۱۳۴۰: ۱۴، ۶۳، ۶۴، ۷۲؛ قره چلبی‌زاده، ۱۲۴۸ق[الف]: ۵۸۵؛ کاتب چلبی، ۱۲۸۷: ۸۰/۲؛ اولیاء چلبی، ۱۳۱۴: ۴۳۵/۱، ۴۳۷، ۵۱۶). «خمپاره»[1] نیز در منابع عثمانی به صورت «خمبره»، «قومبره»، «قومباره»، «خنپره»، «خمپاره» و

۱ به معنی خُم کوچک است که به سبب شباهت آن به خم، به این نام خوانده شده است.

«خمباره» ضبط شده (سلانیکی، ۱۲۸۱: ۳۹، ۴۱؛ نعیما، ۱۲۸۱: ۱۴۲/۴؛ پچوی، ۱۲۸۳: ۱۰۵/۱، ۱۴۸؛ قره چلبی‌زاده، ۱۲۴۸ق[ب]: ۱۸۹؛ درنوی، ۱۲۷۶: ۱۶۹؛ خلیفه، ۱۳۴۰: ۹۰؛ کاتب چلبی، ۱۲۸۷: ۲۵۵/۲) که در میان صفویان، علاوه بر خمپاره، به شکل قنپاره نیز آورده شده است (نوائی، ۱۳۵۷: ۹۵/۳؛ فلور، ۱۳۸۷: ۳۰۷). دیگر توپ جنگی مورد استفاده توسط صفویان و عثمانیان «زنبورک» بود که به یک نوع توپ سبک گفته می‌شد و برای انتقال آسان آن به میدان نبرد، آن را بر پشت شتر یا قاطر قرار می‌دادند (فلور، ۱۳۸۷: ۳۰۷؛ Kepeci, 2000: 366; Uzunçarşılı,1988: 1/231). نام این سلاح در منابع دورهٔ عثمانی به صورت «زنبره» (*واقعات سلطان جم*، ۱۳۳۰: ۱۷)، «زنبرک» (فریدون‌بک، ۱۲۷۴: ۳۵۸/۱، ۵۳۱؛ نشانچی، ۱۲۷۹: ۲۴۷؛ لطفی‌پاشا، ۱۳۴۱: ۲۲۵–۲۲۶)، «زنبه‌رک» (اولیاء چلبی، ۱۳۱۴: ۲۴۷/۱) و «زنبرکلی طوپ» (وفیق‌بک، ۱۳۲۸: ۲۷۴/۱) ضبط شده است. توپ جنگی دیگری در دو حکومت عثمانی و صفوی مورد استفاده قرار می‌گرفت که در منابع صفویان به صورت «ضربزن»، «ضرب‌زن» و «ضربازن» آمده (*عالم‌آرای صفوی*، ۱۳۵۰: ۵۰۹؛ عبدی‌بیگ شیرازی، ۱۳۶۹: ۵۴؛ قاضی قمی، ۱۳۸۳: ۱۹۸/۱؛ اسکندربیگ ترکمان، ۱۳۱۴: ۸۳/۱) و در منابع عثمانیان به صورت «ضرب‌زن»، «ضربوزن»، «ضربزان» و «ضربه زن» ضبط شده است (کاتب چلبی، ۱۲۸۷: ۱۶۰/۱؛ قره چلبی‌زاده، ۱۲۴۸ق[الف]: ۵۶۳؛ همو، ۱۲۴۸ق[ب]: ۸۷، ۱۰۳؛ پچوی، ۱۲۸۳: ۸۵/۱، ۹۵، ۱۴۲/۲؛ سلانیکی، ۱۲۸۱: ۳۵، ۳۷؛ خلیفه، ۱۳۴۰: ۱۴، ۷۲؛ صولاق‌زاده، ۱۲۹۷: ۴۵۳، ۴۵۶، ۴۵۸؛ لطفی‌پاشا، ۱۳۴۱: ۲۲۷، ۳۲۵، ۳۲۶؛ خواجه سعدالدین افندی، ۱۲۸۰: ۲۶۵/۲؛ درنوی، ۱۲۷۶: ۱۲۰، ۱۳۷، ۱۳۹؛ نشانچی، ۱۲۷۹: ۲۴۷).

۱–۳. گروه غلامان صفویه

صفویان از همان ابتدای روی کار آمدن، در پی کاهش نیروی قزلباش بودند؛ به همین دلیل شاهان این حکومت به پیروی از آق‌قویونلوها، از نیروهای غیربومی به نام غلامان یا «قوللر» بهره گرفتند (*سفرنامه‌های ونیزیان در ایران*، ۱۳۸۱: ۸۲، ۱۵۱، ۲۲۱، ۲۳۹؛ فلور، ۱۳۸۷: ۱۷۴). با به قدرت رسیدن شاه‌طهماسب اول، اقدامات جدیدی در کاهش قدرت قزلباشان آغاز شد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به ریختن شالودهٔ بنای قشون مستقلی از غلامان یا قول‌ها و تداوم روند افزایش بهره‌گیری از نیروهای گرجی و سایر عناصر غیرترک، در راهبرد نظامی خویش اشاره کرد (فلور، ۱۳۸۷: ۱۷۸). با وجود اقدامات طهماسب اول، درواقع شاه‌عباس اول بود که اقدام قطعی را در ترجیح

عناصر غیربومی و ملی و کاهش نفوذ اعیان و اشراف قبایل و عشایر انجام داد. وی با ایجاد نیرویی از غلامان سلطنتی (قللر/ قوللر)، با عصیان‌ها و استقلال‌طلبی‌های اعیان طوایف مقابله کرد (رهربرن، ۱۳۸۴: ۴۸، ۴۹). شاه‌عباس اول با این عمل، اولین ارتش دائمی ایران دوره اسلامی را ایجاد کرد (سیوری، ۱۳۸۸: ۷۶–۷۷).

دسته قول‌های صفوی، سواره‌نظام و مسلح به تفنگ بودند (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۱۹۳/۳؛ کمپفر، ۱۳۵۰: ۸۹). بیشتر آنها از لحاظ تعداد و اهمیت، از غلامان گرجی بودند که نسبت به سایر غلامان، بیشترین نزدیکی را به شاه داشتند و در نتیجه توانستند به مناصب مهمی دست یابند (قاضی قمی، ۱۳۸۳: ۴۰۹/۱؛ میرزا سمیعا، ۱۳۸۷: ۱۹؛ کارری، ۱۳۸۳: ۶۵؛ دلاواله، ۱۳۸۴: ۲۶۷؛ سانسون، ۱۳۴۶: ۲۰۱؛ فلور، ۱۳۸۷: ۱۱۵). فرمانده غلامان «قوللرآقاسی» نام داشت که جزو ارکان چهارگانهٔ دولت صفوی محسوب می‌شد. وی همچنین از امرای جانقی به شمار می‌آمد و مفتخر به لقب «عالیجاه» بود (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۹۲؛ میرزا سمیعا، ۱۳۸۷: ۷، ۸؛ نصیری، ۱۳۷۱: ۱۵). این غلامان از حیث منبع تأمین نیروی انسانی (مسیحیان مناطق مجاور قلمرو: روم‌ایلی و بالکان برای عثمانیان و قفقاز و ماوراء قفقاز برای صفویان)، مرکز تعلیم (اوجاق عجمی برای عثمانیان و انبارک غلامان برای صفویان)، عالی‌ترین مقام (ینی‌چری‌آغاسی عثمانی و قوللرآقاسی صفوی)، مواد آموزشی و شکل استخدام و انجام وظایف، شباهت بسیاری به یکدیگر داشته‌اند (بابائی و صدری، ۲۰۲۱: ۵۵۳–۵۶۲). این تشابه به غلامان عثمانی، به‌خصوص ینی‌چریان، به اندازه‌ای بود که شاردن آورده است شاه‌عباس اول این گروه را «ینی‌چری» می‌نامید (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۱۹۴/۳).

۲. منازعات صفوی و عثمانی و نتایج تأثیرگذار بر پیدایی تشابهات

منازعات و نبردهای دو حکومت عثمانی و صفوی از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی و تحلیل است و نتایج این نبردها نیز از دستیابی به سرزمین و غنایم مادی گرفته تا دستاوردهای معنوی مشروعیت‌بخش را در برگرفته است. این چالش و سایش‌های سیاسی و نظامی علاوه بر رقم زدن تفاوت‌ها و تخاصم‌ها، سبب ایجاد برخی مشابهت‌ها شده که از نتایج این نبردها حاصل شده است. نتایجی چون دستیابی به افراد و گروه‌های متخصص و نیز ابزارآلات نظامی از نمونه‌هایی است که می‌توان بدان‌ها اشاره کرد.

۲-۱. اسارت

یکی از عوامل تأثیر عثمانیان بر تشکیلات نظام دولت صفوی، به اسارت درآمدن نیروهای ارتش عثمانی، شامل فرماندهان ممتاز و نخبگان نظامی، گروه‌هایی چون توپچیان، تفنگچیان، سپاهیان، سربازان پیاده‌نظامان ینی‌چری، سواره‌نظامان و سلاح‌داران، به دست سپاه صفوی است که می‌توانست با انتقال تجربیات نظامی آنان به گروه‌های صفوی، سبب پدید آمدن اشتراکات در به کارگیری اسامی و اصطلاحات باشد. آنچه بیش از هر چیز نمود یافت، این است که اتکای غالب سپاه عثمانیان به سلاح‌های آتشین، به‌خصوص در بخش ارتش ثابت یا قاپی‌قولوها، سبب شده بود صفویان در این حوزه، از دانسته‌ها و تجربیات اسیران عثمانی بهره‌مند شوند. یکی از راه‌های دستیابی به این نیروها، اسیرگیری در جنگ بوده است که در رأس آنها فرماندهان نظامی قرار داشته‌اند. این اسیران در منابع دورهٔ صفوی گاه با نام و نشان (به‌خصوص فرماندهان) مشخص شده‌اند و گاه به شکل کلی از آنان یاد شده است.

سپاه عثمانی از چند بخش اصلی تشکیل شده بود که در میان این بخش‌ها، گروه‌های غلامان درباری یا قاپی‌قولوها که ارتش ثابت عثمانی را تشکیل می‌دادند، نفوذ بالایی داشتند. قاپی‌قولوها به‌طور کلی به دو دستهٔ سواره‌نظام و پیاده‌نظام تقسیم می‌شدند که گروه سواره‌نظام شامل دسته‌های سلحدار، سپاه، علوفه‌چیان یمین و یسار (صاغ علوفه‌جیلر و صول علوفه‌جیلر) و غربای یمین و غربای یسار (صاغ غربا بلوکی و صول غربا بلوکی) بودند که «آلتی‌بلوکلر» یا دسته‌های شش‌گانه خوانده می‌شدند (شوکت، ۱۳۲۵: ۶/۱؛ Uzunçarşılı,1988: 2/136). مهم‌ترین بخش قاپی‌قولوها، بخش پیاده‌نظام بود که گروه‌هایی نظیر عجمی‌اوغلان‌ها، ینی‌چریان، جبه‌جیان، توپچیان، توپ آراباجیان و خمبره‌جیان را در برمی‌گرفت (شوکت، ۱۳۲۵: ۲/۱؛ Uzunçarşılı,1988: 2/137).

گروه پُرجمعیت دیگر، سواره‌نظام تیول‌دار (تیمارلی سپاهی) یا «طوپراقلی سُواری‌سی» بودند که به عنوان سواره‌نظام ایالتی در نبردها شرکت می‌کردند و در ازای جنگ یا لشکرکشی، از تیمار[1] بهره‌مند می‌شدند (Pakalın, 1971: 3/520). هر یک از دو بخش سپاه عثمانیان، به گروه‌های متعدّد زیرمجموعه تقسیم می‌شدند که دارای فرماندهان خاص خود بودند. این فرماندهان گاه در منازعات نظامی با ارتش صفویه، به دست صفویان اسیر می‌شدند و محتملاً تجربیاتشان از سوی صفویان أخذ می‌شد که به نمونه‌هایی از آن پرداخته می‌شود.

---

۱ زمین‌هایی با درآمد سالانه کمتر از بیست‌هزار آقچه.

مقارن حکومت شاه‌اسماعیل دوم (حک: ۹۴۸–۹۸۵ق) و در سال ۹۵۹ق، پس از شکست اسکندرپاشا –سردار عثمانی– از سپاه صفویان در ارزنةالروم، خیل عظیمی از فرماندهان عثمانی و نخبگان نظامی به اسارت صفویان درآمدند که می‌توانستند در انتقال تجربیات نظامی عثمانی به صفوی مؤثر باشند. از میان فرماندهان برجستهٔ زیردست اسکندرپاشا که سپهسالار عثمانیان بود، می‌توان به عیسی ذوالقدر صاحب سنجق،[1] محمودبیگ برادرزادهٔ خیربیگ، رمضان‌بیگ برادر اسکندرپاشا، پیرحسین‌بیگ حاکم چمشگزک، خیرالدین‌بیگ حاکم ملاطیه، مصطفی‌بیگ والی طرابزون، حیدربیگ میر پاسین،[2] علی‌آقا قوللرآقاسی، بایبر دلو محمدبیگ قوللرآقاسی، علی‌بیگ برادرزن اسکندربیگ و قاضی[3] ارزروم اشاره کرد (جنابدی، ۱۳۷۸: ۱۰۷۷؛ روملو، ۱۳۴۸: ۱۳۵۶/۳–۱۳۶۰). چهار اسیر نخست از مقامات عالی ایالتی عثمانی به شمار می‌رفتند که به عنوان «سنجاق‌بیگی»[4] در آناتولی مشغول به انجام امور اداری و نظامی بودند و علی‌آقا و بایبر دلو محمدبیگ که به سیاق صفویان با لقب «قوللرآقاسی» مورد خطاب قرار گرفته‌اند، از فرماندهان قاپی‌قولو (معادل نظام قوللر صفویان) بوده‌اند. اسارت فرماندهان رده‌بالای ایالتی و سران قاپی‌قولوهای مرکز حکومت که دارای تجربیات سودمند نظامی بوده‌اند، در انتقال این تجربیات و به تبع آن، ایجاد تشابهات می‌توانست تأثیرگذار باشد.

در نمونه‌ای دیگر، در سال ۹۶۱ق. پس از حملهٔ چهارم سلطان سلیمان قانونی (حک: ۹۲۵–۹۷۳ق) به جانب آذربایجان، فرماندهان عثمانی از جمله سنان‌پاشا (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۵۶)، رمضان‌بیگ برادر اسکندرپاشا، محمدبیگ، حاکم مرعش، حاکم ملاطیه، حاکم طرابوزان و امیران سنجاق به اسارت درآمدند. این حمله به تحریک اسکندرپاشا – بیگلربیگی ارزروم– صورت گرفت. از جانب دولت صفوی تصمیم بر آن شد تا قبل از رسیدن عثمانیان، به محل جنگ به قلعهٔ اخلاط بروند و نشانی از آبادی در آنجا نگذارند. این اقدام از اسباب تضعیف سپاه عثمانیان بود که سرانجام به شکست آنان و اسارت فرماندهان نظامیان انجامید (اسکندربیگ ترکمان، ۱۳۱۴: ۵۶/۱–۵۷؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۱۰۸۵).

---

۱ سنجق یا سنجاق: واحد اداری مشابه ایالت یا استان بود که زیرمجموعهٔ بیگلربیگی قرار داشت و متشکل از چند شهرستان و شهر و روستاهای متعدد بود.

۲ منطقه‌ای در ارزروم.

۳ قاضی در اینجا به معنای فرمانده ایالتی پایین‌رتبهٔ عثمانی است.

۴ حکمران سنجاق تقریباً معادل والی و استاندار.

هفت سال پس از آن نیز در سال ۹۸۶ق، «عادل‌گرای‌خان تاتار» به اسارت صفویان درآمد. در این سال عثمانیان به فرماندهی «عثمان‌پاشا اوزدمیراوغلی» به ایران تاختند و شیروان و قره‌باغ را تصرف کردند. عادل‌گرای‌خان تاتار نیز در این منطقه با سپاه عثمانی همکاری داشت. سپاهی از دولت صفوی که با همراهی لشکر قره‌باغ از پنجاه‌هزار متجاوز بود، برای مقابله با عثمانیان به شروان اعزام شدند. در نبردی که میان دو گروه درگرفت، عادل‌گرای‌خان که با سپاه عثمانی نیز دچار اختلافاتی شده بود، توسط صفویان به اسارت درآمد (سلانیکی، ۱۲۸۱: ۱۵۱؛ قاضی قمی، ۱۳۸۳: ۶۸۴/۲). خان تاتار یا خلف مغولان اردوی زرین که در منطقهٔ قریم (کریمه) حضور داشتند، از بازوهای کمکی نظامی عثمانیان شمرده می‌شدند که به عنوان نیروی نظامی کارآمد به کار گرفته می‌شدند و با توجه به اینکه از دانش بالای نظامی بهره‌مند بودند، در انتقال تجربیات نظامی عثمانیان به صفویان، می‌توانستند مؤثر باشند.

دیگر شخصیت مرتبط به خان‌نشین تاتار قریم (کریمه)، غازی‌گرای خان دوم (متوفای ۱۰۱۶ق) بود که در نبرد با صفویان به اسارت درآمد. او در اواخر سال ۹۸۸ق، با فرماندهی بخشی از سپاه عثمانی، از دشت قبچاق و راه دربند به شروان آمد و به غارت مردم آنجا پرداخت. سلطان محمد خدابنده (حک: ۹۸۵–۹۹۵ق) پس از اطلاع از این ماجرا، نیروی نظامی برای مقابله با او فرستاد. در جنگی که درگرفت، غازی‌گرای‌خان که برای عملیات شناسایی آمده بود، به اسارت ایرانیان درآمد و برای مدتی در الموت محبوس شد (قاضی قمی، ۱۳۸۳: ۷۱۴/۲؛ وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۱۷۲؛ واله قزوینی، ۱۳۷۰: ۷۱۱؛ Inalcık, 1996: 13/451). او در سال ۹۹۲ق. پس از تحمل ده سال زندان، از آنجا گریخت و در ارزروم به عثمان‌پاشا ملحق گردید و بار دیگر مهیای جنگ با صفویان شد (Ibid).

از نمونه‌های دیگر اسارت فرماندهان عثمانی، می‌توان به درگیری سال ۹۹۴ق. اشاره کرد. در این سال عثمان‌پاشا به همراه حدود ۱۵۰هزار نفر از لشکریان عثمانی به جانب تبریز حرکت کرد. در زد و خوردهای ابتدایی، عثمانیان پیروز میدان بودند و به قتل و اسارت برخی از سپاهیان صفوی پرداختند، اما با افزوده شدن نیروهای کمکی صفویان، حدود دوهزار نفر از سپاهیان عثمانی و همچنین فرماندهانی مانند بیرام‌بیگ کشته شدند. در این نبرد، کنعان‌پاشا که به عنوان معاون و دستیار فرمانده عثمانیان – عثمان‌پاشا – حضور داشت، به اسارت صفویان درآمد (قاضی قمی، ۱۳۸۳: ۷۸۸/۲؛ سلانیکی، ۱۲۸۱: ۱۵۱). همچنین در سال ۹۹۸ق، مرادپاشا معروف به «قویوجی»

-که در زمان سلطان مراد سوم (حک: ۹۸۱-۱۰۰۳ق)، امیرالامرای قرامان بود و بعدها به صدارت اعظمی رسید- به همراه عثمان‌پاشا به ایران آمد و هنگام گریز از مقابل صفویان، در چاهی افتاد و اسیر شد. وی به مدت شش سال در قلعهٔ قهقهه زندانی بود تا اینکه هنگام صلح شاه‌عباس اول با سلطان مراد، بنا بر یکی از مفاد قرارداد صلح مبنی بر آزادی اسرای دو طرف، از زندان رهایی یافت (سلانیکی، ۱۲۸۱: ۱۹۹؛ نوائی، ۱۳۵۷: ۱۷/۳؛ İşbilir, 2002: 26/507). پیش از اسارت قویوجی مرادپاشا نیز «چندی از عظماء و سنجق‌بیگیان رومی و اکراد اسیر و دستگیر شدند» (اسکندربیگ ترکمان، ۱۳۱۴: ۷۳۲/۳). همچنین در حملهٔ نخست سلیمان قانونی به آذربایجان، «دلوپروانه» و «محبی چلبی آلای» -که از نزدیکان سلیمان قانونی بودند و از افراد صاحب‌نفوذ دربار عثمانیان به شمار می‌آمدند- اسیر شدند (جنابدی، ۱۳۷۸: ۷۹۸-۷۹۹، ۸۰۲).

در منابع عصر صفوی، گزارشی مبنی بر اینکه فرد مشخصی از توپچیان یا تفنگچیان عثمانی به اسارت صفویان درآمده باشد، ضبط نشده است. حتی در گزارش‌هایی که به‌طور کلی از وجود تفنگچیان و توپچیان در میان سپاهیان عثمانی سخن گفته‌اند، از اسارت آنان مطالبی به میان نیاورده‌اند. به نظر می‌رسد بر پایهٔ گمان و با تکیه بر داده‌های منابع که به صورت کلی بر اسارت سپاهیان عثمانی اشاره کرده‌اند، بتوان نیروهای متخصص را نیز جزو آن اسرا به شمار آورد. ویلم فلور در کتاب *دیوان و قشون در عصر صفوی* با تکیه بر پژوهش‌های غربی آورده است که شاه‌اسماعیل اول در سال ۹۲۳ق. برای تقویت سپاه صفوی و همچنین به رخ کشیدن تبحّر و مهارت تفنگچیانش، از تفنگچیان جامانده از نیروهای نظامی پرتغال و همچنین از ینی‌چریان عثمانی که به دولت صفوی پناهنده شده بودند، بهره گرفته بود. پناهندگان مذکور شامل گروه‌های تفنگچی بودند؛ چنان‌که طی سال ۹۲۴ق. حدود هفتصد تفنگچی و طی سال ۹۲۵ق. حدود ۱۵۰۰ تفنگچی به سپاه صفوی گریختند (فلور، ۱۳۸۷: ۲۳۵).

گفتنی است حدود سال ۹۹۰ق. عثمان‌پاشا به همراه سپاهیان خود شامل پاشاها، سنجق‌بیگی‌ها، ینی‌چریان، توپچیان و دیگر سربازان، به تبریز وارد شد و برای نبرد در برابر سپاه صفوی آماده گردید. تصمیم سپاه عثمانی بر آن شد که برای پیروزی در برابر صفویان، حدود دوازده‌هزار تفنگچی با عرابه‌های حامل توپ و تفنگ در مقدمه سپاه، به سوی صفویان به گشودن آتش بپردازند (جنابدی، ۱۳۷۸: ۱۳۲۷). مبارزان قزلباش و سایر امیران عالی‌رتبهٔ سپاه صفوی به مدافعه شتافتند و در نبردی که میان دو سپاه در گرفت، عدهٔ زیادی از عثمانیان کشته شدند و یا به اسارت درآمدند که احتمالاً

عده‌ای از این اسیران از توپچیان و تفنگچیان نیز بوده‌اند (همان، ۱۳۳۲).

جاسوسان نیز در کنار فرماندهان نظامی از مهم‌ترین عناصر صاحب اطلاعات و اخبار بودند و به چنگ آوردن آنان و آگاهی‌های آنان دربارهٔ امور جنگی در کنار عملیات «زبان‌گیری»،[۱] می‌توانست سرنوشت نبردها را تغییر دهد. آنان به سبب اینکه از مطلعین بالادست محسوب می‌شدند، می‌توانستند داده‌های نظامی مهمی در اختیار قرار دهند و در انتقال تجربیات نظامی عثمانیان به صفویان مؤثر باشند. از آن میان، در سال ۹۲۳ق. یک جاسوس از جانب دولت عثمانی برای آگاهی از چگونگی یاغیگری فردی به نام امیرخان، به لشکر نظامی شاه‌اسماعیل اول وارد شد که دستگیر و به اسارت درآمد (واله قزوینی، ۱۳۷۰: ۲۸۵؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۵۶۱). اسارت این جاسوسان پس از نبرد چالدران و تجزیهٔ دیاربکر از ایران – که سبب تمایل صفویان به بهره‌گیری از فنون نوین نظامی شده بود– فرصت مغتنمی برای صفویان بود تا بتوانند از سازمان جنگی عثمانیان کسب آگهی کنند.

اسارت نیروهای عثمانیان گاه به شکل کلی مورد اشارهٔ منابع قرار گرفته و به فرمانده بودن یا شاخص بودن اسیران اشاره نشده، بلکه تنها با ارقام کلی به اسارت نیروها پرداخته شده است. از آن میان، می‌توان به درگیری پس از فتح بغداد به دست شاه‌عباس اول اشاره کرد که طی آن حافظ احمدپاشا –که یکی از صدراعظم‌های عثمانی بود– از طرف دولت عثمانی مأمور فتح بغداد و نبرد با صفویان گردید. سپاهی که دولت عثمانی برای او تدارک دید، متشکل از حدود ۲۵۰هزار سواره و سی‌هزار ینی‌چری پیاده بود (جنابدی، ۱۳۷۸: ۲۱۷۶). طی این نبرد، قوای عثمانی شکست خوردند و جمع کثیری از سپاهیان به اسارت درآمدند (همان، ۲۱۷۹، ۲۱۸۳، ۲۱۸۷). گزارش اسارت هجده نظامی عثمانی در حملهٔ ابراهیم‌پاشا در عصر سلیمان قانونی (همان، ۷۹۸–۷۹۹)، اسارت پنج‌هزار نفر از عثمانیان در نبرد صفویان در عصر سلیمان قانونی (همان، ۷۷۹) و نمونه‌های بسیار دیگر که در آن به اسارت جمع کثیری از عثمانیان اشاره شده و یا گاه از ارقام مختلف سخن به میان آمده، می‌تواند دربردارندهٔ نیروهای متخصص اسیر عثمانی باشد (اسکندربیگ ترکمان، ۱۳۱۴: ۵۱/۱؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۱۰۰۹–۱۰۱۰، ۲۱۷۶، ۲۱۷۹، ۲۱۸۳، ۲۱۸۷؛ قاضی قمی، ۱۳۸۳: ۳۶۹/۱).

---

۱ فرایند ربودن سربازان دشمن و اعتراف‌گیری از آنان.

۳. غنایم

غنایمی که صفویان در منازعه با عثمانیان به دست می‌آوردند، یکی از عوامل تأثیرگذار در تقویت تشکیلات نظامی صفوی و پیدایی تشابه در این ساختار بوده است که شامل اموال منقول، غیرمنقول و اسیران بود. غنایمی نظیر ادوات جنگی، نظیر توپ، تفنگ، جبه، جوشن، عرابه، زنبورک، بادلیج، خمپره، ضرب‌زن، ضرب‌زن فرنگی، باروت، گلوله، تیرکمان، نیزه، گرز، شمشیر، خنجر و همچنین مرکب‌هایی مانند اسب، قاطر، شتر و مواردی از این دست، در بخش‌های سپاه قابل استفاده بودند.

ادوات جنگی و سلاح‌های آتشین در قلمرو صفویان، پیش از اقدامات برادران شرلی، به اندازه‌ای پرشمار بود که در گزارش آنتوان شرلی (متوفای ۱۰۴۴ق) نیز بازتاب یافته است. او با اشاره به اینکه صفویان در عصر شاه‌عباس اول شمار فراوانی از توپ‌های جنگی را در اختیار داشتند، به عدم توانایی صفویان در ساخت توپ و نبود دانش کافی در این زمینه اشاره کرده است. او سپس افزوده است که این ادوات به احتمال فراوان به شکل غنیمت از عثمانیان به دست آمده است (Sherley, 2005: 16).[1] در منابع عثمانی به موارد متعددی از غنیمت‌گیری اشاره شده است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

در سال ۹۵۶ق. سلطان سلیمان قانونی به همراه القاس‌میرزا با لشکری از سرتاسر قلمرو عثمانی، به سوی تبریز حرکت کردند. این سپاه مجهز به آلات جنگی نظیر اسلحه، جبه، جوشن، توپ، تفنگ، عرابه و مواردی از این دست بود (روملو، ۱۳۴۸: ۱۳۱۵/۳). صفویان پس از اطلاع از این لشکرکشی، به جمع‌آوری نیرو و تجهیزات در شنب غازان پرداختند. همچنین برای شکست دشمن به آتش زدن آبادی و مزارع تبریز، خشکاندن قنوات و کاریزها دست زدند. به سبب پرشمار بودن سپاهیان عثمانی نسبت به سپاه صفوی، عدهٔ زیادی از آنان گرفتار مرگ و قحطی شدند و سرانجام در مقابل صفویان شکست خوردند (روملو، همان، ۱۳۱۷/۳–۱۳۱۸). روملو در گزارش این رویداد، به غنیمت‌گیری از عثمانیان پرداخته که به سبب فراوانی استفاده از سلاح آتشین نزد عثمانیان، به دست آوردن این ادوات محتمل بوده است (همان، ۱۳۲۵/۳).

در سال ۹۶۱ق. نیز سلطان سلیمان قانونی به تحریک اسکندرپاشا، به همراه لشکری عظیم

---

۱ در این اثر، به اشتباه، عثمانیان به شکل تاتار ضبط شده که نادرستی آن آشکار است.

به قلمرو صفویان لشکر کشید و قلعهٔ اخلاط را اشغال کرد. در مراحل اولیهٔ این هجوم، سپاه سلطان سلیمان از سپاه صفوی شکست خورد و غنایم زیادی از این سپاه به دست صفویان افتاد. اسکندرپاشا برای جبران این شکست، بار دیگر سپاهیان پرشماری از اکراد و عثمانیان را که مجهّز به وسایل جنگی از قبیل عرابه، انواع توپ و «ضرب‌زن فرنگی» بودند، فراهم آورد. در نبردی که درگرفت، سپاه اسکندپاشا به‌رغم تلاش‌های فراوان، بار دیگر دچار هزیمت شد و ادوات آنان به غارت رفت که سلاح‌های گرم و سرد را در برمی‌گرفت (اسکندربیگ ترکمان، ۱۳۱۴: ۵۶/۱–۵۷). همچنین حدود سال ۹۹۰ق. عثمان‌پاشا به همراه سپاهیان خود و با تجهیزات جنگی نظیر توپ، تفنگ، عرابه، بادلیج، زنبورک و مواردی از این دست، به تبریز حمله کرد. در نبردی که میان این سپاه و ارتش صفویان درگرفت، عثمانیان شکست خوردند و تجهیزات آنان به دست صفویان افتاد (جنابدی، ۱۳۷۸: ۱۳۳۲). این غنایم به سبب اینکه به شکل مستقیم و به سرعت می‌توانست در ساختار نظامی به کار گرفته شود و ساختهٔ استادکاران ماهر عثمانی بود، از عوامل مهم و تأثیرگذار در تقویت تشکیلات نظامی صفویان بود. این ادوات نظامی که همزمان در سپاه عثمانیان نیز به کار می‌رفت، از نمونه‌های همسانی و همانی تشکیلات نظامی عثمانی و صفوی به شمار می‌آید.

نتیجه‌گیری

تشابه در ساختار حکومتی صفوی و عثمانی، معلول عوامل متعددی بود که یکی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار، اقتباس و گرته‌برداری بوده و از سوی هر دو حکومت پیگیری می‌شده است. نمونه برجستهٔ تشابه برآمده از اقتباس را می‌توان در ساختار نظامی، به‌خصوص بخش دارندگان سلاح‌های آتشین مشاهده کرد. به سبب سابقه و تقدم عثمانیان در بهره‌گیری جنگی از سلاح‌های آتشین، جریان انتقال تجربیاتِ منجر به ایجاد تشابهات، از سوی عثمانیان به سوی صفویان بوده که بیش از هر چیز در شکل اسامی مقامات و اصطلاحات و ادوات نمود یافته است و سه بخش تفنگچیان، توپچیان و قوللر صفوی تحت تأثیر بیشتری بوده‌اند.

اقتباس در این سه بخش می‌توانست از طرق مختلف انجام شده باشد که مهم‌ترین آنها، مجادلات نظامی و نتایج نبردها بوده است. بر این اساس، با توجه به مسئلهٔ پژوهش که چگونگی تأثیرگذاری نتایج مجادلات نظامی بر پیدایش تشابه در تشکیلات نظامی است، می‌توان نتیجه

گرفت که دو مورد به عنوان نتیجهٔ نبردهای دو حکومت برجسته‌تر شده که مورد نخست تأثیر اسیران نخبه و انتقال تجربیات آنان است که به عنوان گمانهٔ تاثیرگذاری بر ایجاد تشابه لحاظ شده است. در نبردهای عثمانیان و صفویان، علاوه بر اسارت نیروهای نظامی و سرباز متعدد، فرماندهان و نخبگانی نظیر جاسوسان و سازندگان سلاح‌های گرم را می‌توان مشاهده کرد که صفویان از اطلاعات و توانمندی‌های آنان در رفع کمبودهای خود بهره می‌گرفته‌اند. شکل دیگری از تأثیرگذاری نتایج مجادلات نظامی در پیدایش تشابه، غنایم جنگی بوده است. صفویان با به چنگ آوردن ادوات نظامی، به‌خصوص توپ‌های جنگی، همان ادوات را در جنگ‌ها به کار می‌برده‌اند و یا به احتمال از شکل ساخت آنان الگو می‌گرفته‌اند و این بهره‌مندی مستقیم، سبب پیدایش تشابه بی‌واسطه در ساختار هر دو حکومت شده است. بر این اساس، بهره‌مندی از نتایج مجادلات نظامی، شامل اسارت فرماندهان نظامی و بهره‌گیری از اطلاعات آنان و غنیمت‌گیری ادوات آتشین عثمانی و استفاده در نبردها، گمانهٔ تأثیرگذاری در ایجاد تشابه را تقویت می‌کند. در این گمانهٔ تقویت‌شده، نقش فرماندهان اسیر عثمانی می‌توانست در پیدایش تشابه، عمیق‌تر و گسترده‌تر باشد، اما غنایم جنگی نقش مستقیم و آشکارتری در ایجاد این تشابهات داشته است.

منابع و مآخذ

- اسکندربیگ ترکمان (۱۳۱۴ق)، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، ج۱-۳، تهران: دارالطباعهٔ آقا سید مرتضی.
- اولیاء چلبی، محمدظلی‌بن درویش (۱۳۱۴ق)، *سیاحتنامه*، ج۱، ۶، استانبول: طابعی احمد جودت، اقدام مطبعه‌سی.
- بابائی، طاهر و منیژه صدری (۲۰۲۱م)، «نظام پرورش غلام صفویان و نسبت آن با سازمان مشابه حکومت‌های ممالیک و عثمانی»، *مجموعه مقالات چهارمین و پنجمین کنفرانس بین‌المللی علمی روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران و گرجستان*، تفلیس: دانشگاه قفقاز.
- بابائی، طاهر (۱۳۹۰ش)، «تشابه تشکیلات عثمانی و صفوی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران.
- بیات، اروج‌بیک (۱۳۳۸ش)، *دون ژوان ایرانی*، ترجمهٔ مسعود رجب‌نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- پچوی، ابراهیم (۱۲۸۳ق)، *تاریخ پچوی*، ج۱، استانبول: مطبعه عامره.
- کمبریج (۱۳۸۰ش)، *تاریخ ایران؛ دوره صفویان*، ترجمهٔ یعقوب آژند، تهران: جامی.
- تکتاندر، ژرژ (۱۳۵۱ش)، *ایتر پرسیکوم*، ترجمهٔ محمود تفضلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ثابتیان، ذبیح‌الله (۱۳۴۳ش)، *اسناد و نامه‌های تاریخی دورهٔ صفویه*، تهران: کتابخانه ابن‌سینا.

- جنابدی، میرزا بیک حسن (۱۳۷۸ش)، *روضة الصفویه*، تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- جوادپاشا، احمد (۱۲۹۹ق)، *تاریخ عسکری عثمانی*، ج۱، استانبول: قرق انبار مطبعه‌سی.
- خلیفه، محمد (۱۳۴۰ق)، *تاریخ غلمانی*، استانبول: اورخانیه مطبعه‌سی.
- خواجه سعدالدین افندی، محمد (۱۲۸۰ق)، *تاج التواریخ*، ج۲، [بی‌جا]: طبعخانه عامره.
- درنوی، محمدبن محمد (۱۲۷۶ق)، *نخبة التواریخ و الأخبار*، [بی‌جا]: تقویمخانه عامره.
- دلاواله، پیترو (۱۳۸۴ش)، *سفرنامه*، ترجمهٔ شجاع‌الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی.
- رامپوری، غیاث‌الدین محمدبن جلال‌الدین (۱۳۷۵ش)، *غیاث اللغات*، به کوشش منصور ثروت، تهران: امیرکبیر.
- روملو، حسن (۱۳۴۸ش)، *احسن التواریخ*، تصحیح عبدالحسین نوایی، ج۳، تهران: اساطیر.
- رهربرن، میشائیل کلاوس (۱۳۸۴ش)، *نظام ایالات در دوره صفویه*، ترجمهٔ کیکاووس جهانداری، تهران: علمی و فرهنگی.
- سانسون، مارتین (۱۳۴۶ش)، *وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه‌سلیمان صفوی*، ترجمهٔ تقی تفضلی، تهران: انتشارات ابن‌سینا.
- *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران* (۱۳۸۱ ش)، ترجمهٔ منوچهر امیری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- سلانیکی، مصطفی افندی (۱۲۸۱ق)، *تاریخ سلانیکی*، استانبول: مطبعه عامره.
- سومر، فاروق (۱۳۷۱ ش)، *نقش ترکان در تشکیل و توسعه دولت صفوی*، ترجمهٔ احسان اشراقی و محمدتقی امامی، تهران: نشر گستره.
- سیوری، راجر. م. (۱۳۸۸ش)، *ایران عصر صفوی*، ترجمهٔ کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- ..... (۱۳۸۰ش)، *در باب صفویان*، ترجمهٔ رمضانعلی روح‌الهی، تهران: نشر مرکز.
- شاردن، ژان (۱۳۷۴ش)، *سفرنامه*، ترجمهٔ اقبال یغمایی، ج۳، ۵، تهران: انتشارات توس.
- شاملو، ولیقلی‌بن داودقلی (۱۳۷۱ش)، *قصص الخاقانی*، تصحیح سید حسن سادات ناصری، ج۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شوکت، محمود (۱۳۲۵ق)، *عثمانلی تشکیلات و قیافت عسکریه‌سی*، ج۱، [بی‌جا]: مطبعه مکتب حربیه.
- صولاق‌زاده، محمد همدمی چلبی (۱۲۹۷ق)، *صولاق‌زاده تاریخی*، استانبول: محمودبک مطبعه‌سی.
- *عالم‌آرای شاه‌اسماعیل* (۱۳۸۴ش)، تصحیح اصغر منتظر صاحب، تهران: علمی و فرهنگی.
- *عالم‌آرای شاه‌طهماسب* (۱۳۷۰ش)، به کوشش ایرج افشار، تهران: دنیای کتاب.
- *عالم‌آرای صفوی* (۱۳۵۰ش)، به کوشش یدالله شکری، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- عبدی‌بیگ شیرازی (۱۳۶۹ش)، *تکملة الاخبار*، تصحیح عبدالحسین نوائی، تهران: نشر نی.
- فریدون‌بک، احمد توقیعی (۱۲۷۴ق)، *منشآت السلاطین*، ج۱، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- فلور، ویلم (۱۳۸۷ش)، *دیوان و قشون در عصر صفوی*، ترجمهٔ کاظم فیروزمند، تهران: آگه.

- فیگوئروآ، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳ش)، *سفرنامه*، ترجمهٔ غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- قاضی قمی، احمدبن حسین (۱۳۸۳ش)، *خلاصة التواریخ*، تصحیح احسان اشراقی، ج۱، ۲، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- قره چلبی‌زاده، عبدالعزیز افندی (۱۲۴۸ق[الف])، *روضة الابرار المبین بحقائق الاخبار*، قاهره: مطبعه بولاق.
- ..... (۱۲۴۸ق[ب])، *سلیمان‌نامه*، قاهره: مطبعه بولاق.
- کاتب چلبی، حاجی خلیفه (۱۲۸۷ق)، *فذلکه التواریخ*، ج۱، ۲، [بی‌جا]: مطبعه جریده حوادث.
- کارری، فرانچسکو جمللی (۱۳۸۳ش)، *سفرنامه*، ترجمهٔ عبدالعلی کارنگ و عباس نخجوانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۵۰ش)، *در دربار شاهنشاه ایران*، ترجمهٔ کیکاووس جهانداری، تهران: انجمن آثار ملی.
- لاهیجی، علی‌بن شمس‌الدین (۱۳۵۲ش)، *تاریخ خانی؛ شامل حوادث چهل سالهٔ گیلان از ۸۸۰ تا ۹۲۰ قمری*، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- لطفی‌پاشا (۱۳۴۱ق)، *تواریخ آل عثمان*، تصحیح کلیسلی معلم رفعت، استانبول: مطبعه عامره.
- منجم، ملا جلال‌الدین (۱۳۶۶ش)، *تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال*، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، [بی‌جا]: انتشارات وحید.
- موسوی، جمال و طاهر بابائی (پاییز و زمستان ۱۳۹۱ش)، «مطالعه تطبیقی غلام‌داری در تشکیلات نظامی عثمانی و صفوی»، *نیم‌سال‌نامهٔ مطالعات تاریخ و تمدن ملل اسلامی*، ش۲، صص۵۸-۷۴.
- میرزا رفیعا (۱۳۸۵ش)، *دستور الملوک*، به کوشش و تصحیح محمد اسماعیل مارچینکوفسکی، ترجمهٔ علی کردآبادی، با مقدمه منصور صفت‌گل، تهران: وزارت امور خارجه.
- میرزا سمیعا (۱۳۸۷ش)، *تذکرة الملوک*، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران: امیرکبیر.
- مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۸۷ش)، *سازمان اداری حکومت صفوی*، ترجمهٔ مسعود رجب‌نیا، تهران: امیرکبیر.
- نفیسی (ناظم الاطباء)، علی‌اکبر [بی‌تا]، *فرهنگ نفیسی*، ج۱، تهران: کتابفروشی خیام.
- نشانچی، محمدپاشا (۱۲۷۹ق)، *تاریخ نشانچی*، [بی‌جا]: طبعخانه عامره.
- نصیری، میرزا علینقی (۱۳۷۱ش)، *القاب و مواجب دوره سلاطین صفوی*، تصحیح یوسف رحیم‌لو، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- نعیما، مصطفی (۱۲۸۱ق)، *تاریخ نعیما (روضة الحسین فی خلاصة أخبار الخاقین)*، ج۱، ۴، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- نوائی، عبدالحسین (۱۳۵۷ش)، *شاه‌عباس*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۶ش)، *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی*، تهران: امیرکبیر.
- *واقعات سلطان جم* (۱۳۳۰ق)، احمد احسان و شرکاسی، استانبول: مطبعه جیلق عثمانلی شرکتی.
- واله قزوینی، محمد یوسف (۱۳۷۰ش)، *خلد برین*، تصحیح میر هاشم محدث، تهران: مرکز پژوهشی

میراث مکتوب.
- وحید قزوینی، محمدطاهربن حسین (۱۳۸۳ش)، *تاریخ جهان‌آرای عباسی*، با مقدمه، تصحیح و تعلیقات سعید میرمحمدصادق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- وفیق‌بک، عبدالرحمن (۱۳۲۸ق)، *تکالیف قواعدی*، ج۱، استانبول: مطبعه قدر.

منابع لاتین

- Inalcık, Halil (1996), "Gazi giray", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam ansiklopedisi (TDVİA)*, vol.13, İstanbul: Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi.
- İşbilir, Ömer(2002), "Kuycu Murad paşa", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam ansiklopedisi (TDVİ)*, , vol.26, İstanbul: Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmes.
- Kepeci, Kamil (2000), *Tarih lugati:osmanlı tarih deyimleri ve terimleri temel sözlüğü*, Ankara: 21yüzyıl yayınları.
- Pakalın, mehmet zeki (1971),*osmanlı tarih deyimleri ve terimleri sözlüğü*, vol.3, İstanbul: milli eğitim basımevi.
- Sherley, Anthony (2005), *Sir Anthony Sherley And His Persian Adventure*, london And NewYork: Routledge.
- Uzunçarşılı, İsmail Hakkı (1988), *Osmanlı devleti taşkilatından kapukulu ocakları*, , vol.1-3, Ankara: Türk Tarih Kurumu.

List of sources with English handwriting

- ‘Abdī beyg Šīrāzī (1990), *Takmelat al-Akbār*. Ed. ‘Abd al-Ḥosayn Navā ʾī, Tehran: Našr Ney. **[In Persian]**
- *‘Ālam Ārā-ye Ṣafavī,* [Majhūl al-Mūʾalif] (1972), ed. Yad Allāh Šokrī, Tehran: Intešārāt Bonyād Farhang Irān. **[In Persian]**
- *‘Ālam Ārā-ye Shāh Esmā‘īl*, [Majhūl al-Mūʾalif] (2005), ed. Aṣḡar Muntaẓar Ṣāḥib, Tehran: ‘Elmī va Farhangī. **[In Persian]**
- *‘Ālam Ārā-ye Shāh* Ṭahmāsb, [Majhūl al-Mūʾalif] (1991), ed. Iraj Afshār, Tehran: Donyā-ye Ketāb. **[In Persian]**
- Bābā ʾī, Ṭāher (2011/1390), *Tašāboh Taškīlāt ʿOṯmānī va Ṣafavī*, Pāyānnāmah Kāršenāsī Aršad dar Rešteh Tārīḵ va Tamadon Melal Islāmī, University of Tehran. **[In Persian]**
- Bābā ʾī, Ṭāher; Manižeh Ṣadrī (2021), "Neẓān Parvareš Ḡolām Ṣafavīyān va Nesbat ān bā Sāzemān Mošābeh Ḥokūmat-hā-ye Mamālīk va ʿOṯmānī", *Majmū‘ah-ye Maqālāt Čahārumīn va Panjumīn Konferāns bayn al-Mellalī ‘Elmī Ravābeṭ Siyāsī, Eqtiṣādī va Farhangī Irān va Gorjestān*, Teflīs, 550-568. **[In Persian]**
- Bayāt, Arūjbīg (1959), *Dūn Žūʾan Irānī*. translated by Masʿūd Rajabnīyā. Tehran: Bongāh Tarjomah va Našr Ketāb. **[In Persian]**

- Careri, Francesco Gemelli (2004), *Safarnāmeh*, *translated by* ‘Abd al-‘Alī Kārang va ‘Abbās Nakjavānī, Tehran: ‘Elmī va Farhangī. **[In Persian]**
- Cevad Paşa, Ahmet (1881), *Tārih-ı Askerı-ı Osmanı*, Istanbul: Kırk Ambar Matbaas*ı.* **[In Persian]**
- Chardin, Jean (1995), *Safarnāmeh*. *translated by Eqb*āl Yāğmāī, Tehran: Intešārāt Tūs. **[In Persian]**
- Della Valle, Pietro (2005), *Safarnāmeh*, *translated by* Šoj*ā*‘ al-Dīn Šafā, Tehran: ‘Elmī va Farhangī. **[In Persian]**
- Eskandar Beg Torkamān (1896). *Tārīk-e ‘Ālamārā-ye ‘Abbāsī*. Tehran: Dār al-Ṭabāʿah Āqā Sayyid Murteżā. **[In Persian]**
- Evliyā Çelebi, Mehmet Ẓillī ibn Derviş (1896), *Seyāhatnāme*, Istanbul: Tābiʿī Ahmet Cevdet, Ikdām Matbaas*ı.* **[In Persian]**
- Feridun Bey, Ahmet Tevḳīi (1857). *Münşeat üs-Selâtîn*, [Istanbul]: Maṭba‘a-yi ‘Āmira. **[In Persian]**
- Figueroa, Don Garcia de Silva (1984), *Safarnāmeh*, *translated by* Ğol*ā*m Riżā Samīʿī, Tehran: Našr Nū. **[In Persian]**
- Floor, Willem (2008), *Dīvān va Qošūn dar ‘Aṣr Ṣafavī, translated by* Kāẓem Fīrūzmand, Tehran: Āgah. **[In Persian]**
- Halife, Mehmet (1921), *Tārih-ı Gılmanī*, Istanbul: Orhaniye Matbaas*ı.* **[In Persian]**
- Hoca Sadeddin Efendi, Mehmet (1863). *Tac-üt-tevarih*, [s.l.]: Ṭab‘khānah ‘Āmira. **[In Persian]**
- Hūšang Mahdavī, ʿAbd al-Riżā (2008), *Tārīk Ravābeṭ Kārejī Irān az Ebtedāye Ṣafavīyeh tā Pāyān Jang Dovum Jahānī*, Tehran: Amīr Kabīr. **[In Persian]**
- Jonābadī, Mīrzā Beyg Hasan (1999), *Rawḍah al-Ṣafawīyah*. ed. Ğolām-Reżā Majd Ṭabāṭabā ʾī. Tehran: Bonyād Mūqūfāt Maḥmūd Afšār. **[In Persian]**
- Kaempfer, Engelbert *(*1972), *Dar Darbār Šāhanšāh Irān*, *translated by K*īkāvūs Jahāndārī, Tehran: Anjoman Āṯār Mellī. **[In Persian]**
- Karaçelebizade, Abdülaziz Efendi (1832), *Tarih-i Revzat ül-ebrâr*. Cairo: Maṭba‘at Būlāq. **[In Persian]**
- Karaçelebizade, Abdülaziz Efendi (1832). *Süleymanname*. Cairo: Maṭba‘at Būlāq. **[In Persian]**
- Kâtib Çelebi*,* Hacı Halife (1870), *Fezleke*, [s.l.]: Maṭba‘at Jarīdah Ḥavādeṯ. **[In Persian]**
- Lāhījī, ‘Alī ibn Šams al-Dīn (1974), *Tārīk Kānī: Šāmel Ḥavādeṯ Čehel Sāleh Gīlān az 880/1475 tā 920/1514*. Ed. Manūčehr Sotūdeh, Tehran: Intešārāt Bonyād Farhang Irān. **[In Persian]**
- Lütfi Paşa (1922). *Tevarih-ı Alı Osman*. Ed. Kilisli Mu‘allim Rif‘at, Istanbul: Maṭba‘at ‘Āmirat. **[In Persian]**
- Mehmet ibn Mehmet (1859). *Nuhbetü't-tevârih ve'l-ahbar,* [s.l.]: Taqvīmkhānah-yi ‘Āmira. **[In Persian]**
- Minorskii, Vladimir (2008), *Sāzemān Edārī Ḥokūmat Ṣafavī*, *translated by* Masʿūd

Rajabnīyā, Tehran: Amīr Kabīr. **[In Persian]**
- Mīrzā Rafīʿā (2006), *Dastūr al-Molūk,* ed. Muḥammad Ismā'īl Mārčīnkūfskī, *translated by* ʿAlī Kurdābādī va Moqaddemah Manṣūr Ṣafatgol, Tehran: Vezārat Omūr Kārejeh. **[In Persian]**
- Mīrzā Samīʿā (2008), *Tadkerat al-Molūk,* ed. Muḥammad Dabīr Sīyāqī, Tehran: Amīr Kabīr. **[In Persian]**
- Munajim, Mulā Jalāl al-Dīn (1988). *Tārīk ʿAbbāsī yā Ruzname Mulā Jalāl*. ed. Sīf Allāh Vaḥīdnīyā. [s.l.]: Intešārāt Vaḥīd. **[In Persian]**
- Mūsavī, Jamāl; Bābāʾī, Ṭāher (2012), "Moṭālaʿah Taṭbīqī Ğolāmdārī dar Taškīlāt Neẓāmī 'Osmānī va Ṣafavī", *Nemsālnāmah Moṭāleʿāt Tārīk va Tamadon Melal Islāmī*, no. 2, autumn and winter, 58-74. **[In Persian]**
- Naima, Mustafa (1864). *Tarih-ı Naima (Ravzat ül-Hüseyn fi Hulasat-i Ahbar il-Hafikeyn),* [s.l.]: [s.n.]. **[In Persian]**
- Naṣīrī, Mīrzā *ʿAlī* Naqī (1952), *Alqāb va Mavājeb Dūreh-ye Salāṭīn Ṣafavī,* ed. Yūsof Raḥīmlū , Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad. **[In Persian]**
- Navāyī, 'Abd al-Ḥosayn (1978), *Šāh 'Abbās,* Tehran: Bonyād Farhang Irān. **[In Persian]**
- Nāẓem al-Aṭebāʾ, *ʿAlī* Akbar Nafīsī [s.d.], *Farhang Nafīsī*, Tehran: Ketābforūšī Kayām. **[In Persian]**
- Nişançı, Mehmet Paşa (1862). *Tarih-ı Nişançı*. [s.l.]: Ṭab'khānah 'Āmira. **[In Persian]**
- Peçevi, Ibrahim (1866). *Tārīh-i Peçevi*. Istanbul: Maṭba'at 'Āmirat. **[In Persian]**
- Qāżī Qomī, Aḥmad ibn Ḥosayn (2004), *Kolāṣat al-Tawārīk*, ed. *E*ḥsān Ešrāqī, Tehran: Mūʾassesah Intešārāt va Čāp University of Tehran. **[In Persian]**
- Rāmpūrī, Ğīāṯ al-Dīn Muḥammad ibn Jalāl al-Dīn (1996), *Ğīāṯ al-Logāt*. Ed. Manṣūr Sarvat, Tehran: Amīr Kabīr. **[In Persian]**
- Rohrborn, Michael Klaus (2005), *Neẓām Iyālāt dar Dūreh-ye Ṣafavīyeh, translated by Kīk*āvūs Jahāndārī, Tehran: 'Elmī va Farhangī. **[In Persian]**
- Rūmlu, Ḥasan (1969), *Aḥsan al-Tavārīk*. ed. 'Abd al-Ḥosayn Navāyī, Tehran: Asāṭīr. **[In Persian]**
- Sābetīyān, Zabīḥ Allāh (1964), *Asnād va Nāmeh-hā-ye Tārīkī Dūreh-ye Ṣafavīyeh,* Tehran: Kitābkāneh ibn Sīnā. **[In Persian]**
- *Safarnāmeh-hā-ye Venezīyān dar Irān* (2002), *translated by Man*ūčehr Amīrī, Tehran: Intešārāt Kārazmī. **[In Persian]**
- Šāmlū, Valī Qolī ibn Dāvūd Qolī (1992). *Qeṣaṣ al-Kāqānī*. Ed. Sayyed Ḥasan Sādāt Nāṣerī, Tehran: Sāzemān Čāp va Intešārāt Vezārat Farhang va Eršād Islāmī. **[In Persian]**
- Sanson, Martin(1967), *Vażʿ-e Kešvar Šāhanšāhī Iran dar Zamān Šāh Solaymān Ṣafavī*, *translated by Taq*ī Tafażolī, Tehran: Intešārāt ibn Sīnā. **[In Persian]**
- Savory, Roger (2001), *Dar Bāb Ṣafavīyān. translated by Ramaż*ān ʿAlī Rūḥ Allāhī, Tehran: Našr Markaz. **[In Persian]**
- Savory, Roger (2009), *Irān 'Aṣr Ṣafavī. translated by K*āmbīz 'Azīzī. Tehran: Našr Markaz. **[In Persian]**

- Selaniki, Mustafa Efendi (1864). *Tarih-ı Selaniki*. Istanbul: Maṭba‘at ‘Āmirat. **[In Persian]**
- Şevket, Mahmud (1907), *Osmanlı Taşkilāt va Kıyāfet Askeriyesi*. [s.l.]: Maṭba‘at Maktab Harbiyah. **[In Persian]**
- Sulakzade, Mehmet Hemdemi Çelebi (1879). *Sulakzade Tarihi*. Istanbul: Mahmud Bey Maṭbaʿa-yi Sī. **[In Persian]**
- Sumer, Faruk (1992), *Naqš Torkān dar Taškīl va Tawsiʿah Dawlat Ṣafavī*, *translated by E*ḥsān Ešrāqī va Muḥammad Taqī Imāmī, Tehran: Našr Gostareh. **[In Persian]**
- *Tārīkh-i Irān-i Cambridge: Dūreh-ye Ṣafavīyān,* (2001), *translated by* Yaʿqūb Āžand, Tehran: Jāmī. **[In Persian]**
- Tectander, George (1972), *Iter Persicum*, *translated by* Maḥmūd Tafażolī, Tehran: Bonyād Farhang Irān. **[In Persian]**
- Vaḥīd Qazvīnī, Muḥammad Ṭāher ibn Ḥosayn (2005). *Tārīk Jahān Ārā-ye ʿAbbāsī*. ed. Saʿīd Mīr Muḥammad Ṣādeq, Tehran: Pažūhešgāh ʿOlūm Ensānī va Moṭāleʿāt Farhangī. **[In Persian]**
- *Vakıat Sultan Cem*, [Majhūl al-Mūʾalif] (1911), Ahmed İhsan ve Şürekâsı, Istanbul: Matbaacılık Osmânî Şirketi. **[In Persian]**
- Vālah Qazvīnī, Muḥammad Yūsof (1991). *Kold Barīn*. ed. Hāšem Moḥaddiṯ. Tehran: Markaz Pažūhešī Mīrāṯ Maktūb. **[In Persian]**
- Vefik Bey, ʿAbdurraḥmān (1910), *Tekālif Kavaidi*, Istanbul: Maṭba‘at Kader. **[In Persian]**